

موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

بازدید: ۹۵۸۷ زمان تقریبی مطالعه: ۵ دقیقه تاریخ: چهارشنبه ۱۳۹۱/۱۲/۰۲

مراد از دشمنی فرزند و همسر در قرآن

اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان شما و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کسادهش بیم دارید و سراهایی که به آن دلخوشید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب تر است پس منتظر باشید تا خدا حکم خویش را صادر کند، و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی کند.



در آیه ۱۴ سوره تغابن آمده: «یا ایها الذین امنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم و ان تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم، ای کسانی که ایمان آورده اید! بی تردید برخی از همسران شما و فرزندانان به خاطر ایمانتان دشمن شمایند، از آنها برحذر باشید و اگر از خلاف آنها در گذرید و چشم ببوشید و ببخشایید، بی گمان خدا آمرزنده ی مهربان است.»

ای کسانی که ایمان آورده اید! بی تردید برخی از همسران شما و فرزندانان به خاطر ایمانتان دشمن شمایند، «فاحذروهم» از آنها بترسید. منظور قرآن کریم چیست؟ «ان من ازواجکم» یعنی بعضی از زنان یا بعضی از شوهران شما. ازواج جمع زوج است. میفرماید بعضی از همسران و بعضی از فرزندان شما دشمن شما هستند. آیا مقصود همین دشمنی ظاهری و کینه توزی است که گاهی زن و شوهر از یکدیگر تنفر پیدا میکنند و دشمن و خصم یکدیگر میشوند به طوری که هر یک میخواهد کاری به ضرر دیگری انجام دهد؟ گاهی پدر و فرزند با یکدیگر تا حدی دشمن میشوند که شمشیر به روی یکدیگر میکشند. آیا قرآن کریم این را میخواهد بگوید؟ این چیزی است که همه مردم درک میکنند. کسی با زنش اختلاف داشته باشد خودش بهتر از دیگران میداند، با بچه اش اختلاف داشته باشد این را بهتر میداند.

هر ؟ شما ؟

مراد قرآن این نیست، بلکه منظور کارهای دشمنانه است در عین اینکه این کارها دوستی است. چون دوست دارند دشمنانند و این آنجاست که دوستی آنها با دوستی خدا تعارض پیدا میکند. شان نزول آیه

این است: مومنی در مکه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان میآورد. خود ایمان آوردن در مکه مستلزم یک سلسله محرومیتهاست. زن و بچه انسان نه از این جهت که با او دشمن هستند، بلکه از باب نصیحت، خیلی دوستانه چیزهایی به او میگویند: رهایش کن، اصلا حلاوت زندگی را از خودت و از ما گرفتهای و ما را دچار ناراحتی و رنج و تعب کردهای.

آن مومن به مرحلهای میرسد که میخواهد مهاجرت کند. مهاجرت شوخی نیست. مهاجرت یعنی چه؟ یعنی تمام خانمان را درهم ریختن. آنوقت است که همسر میآید گریه کنان به دست و پا میافتد و هزار جور وظیفه و تکلیف شرعی برای آدم درست میکند و فرزند به نوعی دیگر. همسر، بچه شیرین دو ساله خودش را میآورد و میگوید: آخر حیفت نمیآید که این بچه را به امان خدا رها کنی؟ تو که از اینجا بروی دیگر برگشت نداری.

شک ندارد که انسان نسبت به خاندان خودش مسؤولیت بزرگی دارد. این آیه معنایش این نیست که انسان مسؤولیتی را که نسبت به همسر و فرزندان خود دارد فراموش کند ولی این را باید توجه کند که یک مسؤولیت الهی هم هست. آنجایی که یک فرد میخواهد به میدان شهادت برود، آنجا چه؟ ملاحظات خانوادگی در نهایت درجه اهمیت است، ولی اگر پای یک چنین چیزی به میان آمد چطور؟ چند نفر معدود بودند که همسران یا مادرانشان در کربلا بودند. یکی جوانی است به نام "وهب". وقتی نوبتش شد و خواست به میدان برود زنش که تازه عروس بود آمد به دامنش چسبید و گفت: تو که میروی مرا به چه کسی میسپاری؟

اینجاست که فیل به زانو درمیآید. مادرش گفت: پسر جان! مبادا

حرف زنت را گوش کنی، تو امروز کار مهمتری داری. شک ندارد که همسر موضوع مهمی است، موضوع کوچکی نیست و وهب مسؤولیت بزرگی در مقابل همسر خود داشت، اما یک مسؤولیت و وظیفه بزرگتری در برابر سیدالشهداء داشت. همین همسر که عشق میورزد، همان عشقش از آن نظر که جلوی حقیقتی را گرفته است به منزله یک نوع دشمنی است. فرزند هم همینطور است.

قرآن از انسان یک موجود از همه چیز گذشته جز خدا میخواهد، این است که میفرماید: مال شما فتنه است، اولاد شما فتنه است، یعنی بازدارنده هستند.

قرآن نمیگوید شما فرزند نداشته باشید یا فرزندان را دوست نداشته باشید، احساس مسؤولیت نداشته باشید و یا مال نداشته باشید و اصلا مال خودتان را رها کنید، چنین چیزی نیست. ولی هیچیک از اینها

“

قرآن نمیگوید شما فرزند نداشته باشید یا فرزندان را دوست نداشته باشید، احساس مسؤولیت نداشته باشید و یا مال نداشته باشید و اصلا مال خودتان را رها کنید، چنین چیزی نیست. ولی هیچیک از اینها نباید در حدی باشد که وقتی پای حق و پای خدا و پای تکلیف بزرگتری در میان میآید بتواند پایبند انسان باشد

نباید در حدی باشد که وقتی پای حق و پای خدا و پای تکلیف بزرگتری در میان می‌آید بتواند پایبند انسان باشد.

«قل ان كان اباؤکم و ابناؤکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترفتموها و تجاره تخشون کسادها و مساکن ترضونها احب الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبيله فتربصوا حتی یاتی الله بامرہ والله لا یهدی القوم الفاسقین، بگو: اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خویشان شما و اموالی که به دست آورده اید و تجارتی که از کسادش بیم دارید و سرهایی که به آن دلخوشید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه او محبوب تر است پس منتظر باشید تا خدا حکم خویش را صادر کند، و خداوند قوم فاسق را هدایت نمی کند» (توبه/۲۴)

بخش قرآن تبیان

منبع :

سایت حوزه

موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان